

# ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی  
مدیرمسئول: مهدی شفیعی  
سرمدینر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۱/۵۰ | اذان مغرب ۱۷/۴۷ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۹ | اذان صبح فردا ۴/۴۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۲

امام علی (ع):

چه بسیار عزیزی که، نادانی اش او را خوار ساخت.

**سخن روز**

تصنیف غر الحکم و در الکلم،ص۷۶

### نگاره

امیرعباس تبریزی



۲۳مهر؛ روز جهانی استاندارد



### #فردوسی\_پور

برنامه جدید عادل فردوسی‌پور که قرار بود با نام «۹۹» از پلتفرم‌های اینترنتی پخش شود، مجوز ساترا را نگرفت و این یعنی ساخت و پخش این برنامه منتفی شده است. طرفداران عادل فردوسی‌پور که منتظر برنامه جدیدش بودند، از این خبر ناراحت شدند و واکنش نشان دادند و ساترا هم درباره دلایل مجوز ندادن توضیحاتی داد که البته کاربران را قانع نکرد: «ساترا توضیح داده برنامه عادل فردوسی‌پور به دلیل «وجود موانع حقوقی، قضایی و امنیتی» مجوز نگرفته بعد هم‌زمان ایشان تهیه‌کننده رسمی صدا و سیما است که در شبکه ورزش هم برنامه‌سازی می‌کند. ماجرا چیه؟»، «مجوز برنامه جدید عادل فردوسی‌پور توسط ساترا (زیرمجموعه صدا و سیما) تأیید نشد! جالبه بدونید که مجوز این برنامه با نام «۹۹» پیش‌تر توسط وزارت ارشاد تأیید شده بود. بله فروغی دست بردار نیست»، «برنامه ۹۰ رو تعطیل کردند. جلوی گزارش کردنش رو گرفتند. میخواد برنامه اینترنتی بسازه، همین امروز خبر اومد مجوز بهش ندادند. اومدیم و ایشون مهاجرت کرد، باز میخواین مدام بگین وطن فروش و خائن بهش و چشمتون روی این آزار و اذیتی که در داخل شد ببندین؟»، «به فردوسی‌پور بگید بره یوتیوب کانال بزنه،

### هشتگ

قطعهٔ مخاطب و در آمدش خیلی بیشتر از هر چیز دیگه خواهد بود! فرهنگ یوتیوب هم بیشتر جا می‌افته.»، «آقایون! خدا شده شماها در حق عادل فردوسی‌پور جفا کردید.»، «امیدوارم تمام اتفاقاتی که تو این چند روز افتاد، باعث نشه بره چون واقعاً به دونه بیشتر از اون وجود نداره»، «همه تلاشش رو داره می‌کنه که بمونه توی مملکت خودش کار کنه. از برنامه‌ای که بالای ۲۰ سال مثل فرزند خودش بزرگش کرده بود جداش کردند، باز موند، خواست توی ایران بمونه کار کنه یه شکل دیگه، باز اجازه ندادن. حالا اگه بلند شد بره باز بهش بگیم نباید بری؟»، «مجوز ساترا! انحصار مطلق برای صدا و سیما ایجاد میکنه و نقض رسمی آزادی بیان و استقلال رسانه است.»، «برنامه۹۹» به تهیه کنندگی و اجرای عادل فردوسی پور نتونست از ساترا مجوز دریافت کنه. استاد دو ماه قبل از تعطیلی ۹۰، سر کلاسش تو دانشگاه شریف: «۹۰ ملایم‌ترین برنامه انتقادی ممکنه که تلویزیون می‌تونه داشته‌باشه. اینا تحمل همین برنامه رو هم ندارن.»، «گویا این عزیزان تا کاری نکنن که عادل از ایران بره دست بردار نیستن. فردا بهشم میگن وطن فروش و خائن.»، «اگه یه نفر توی ایران واقعاً سر جایی که باید کار می‌کرد بود همین فردوسی‌پور بود.»

### شهروند مجازی

یگانه خدایی

### خداحافظی با یک خاطره

درگذشت اکبر عالمی، منتقد و استاد سینما بازتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت. کاربران زیادی با ناراحتی و تأسف از مرگ او بر اثر کرونا نوشتند و بیشتر از هر چیز خاطره‌هایی درباره برنامه‌های سینمایی او در تلویزیون در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خواندیم که به خیلی‌ها سینما را یاد داده بود: «کرونا یکی از بی‌نظیرترین اشخاص این مملکت رو از ما گرفت.»، «اواخر تابستون سال ۷۰ بود که همه ازش به نیکی یاد می‌کنن. باسواد، کاربلد و بسیار محترم. خیلی ناراحت‌م که معلم معلمای سینما از بینمون رفت»، «در کودکی سیاه و سفید دهه ۶۰ ای‌مان اونقطه‌ای شفاف و رنگی بود که شب‌های جمعه می‌آمد و با «هنر هفتم»‌اش مخاطب را از سینما سرشار می‌کرد. از آنچه از سینما می‌دانست! بی‌هیچ کم و کاستی.»، «نقش و تأثیری که اکبر عالمی در اون سال‌های بن‌بست فرهنگی در تلویزیون مملکت ایفا کرد، از یاد نرفتنی و ستودنی بود. ای لعنت بر این کرونا چنین کسی چندین سال هنوز جا داشت زندگی کنه.»، «نسل ما اکبر عالمی رو با هنر هفتم پنجشنبه شب‌های شبکه اول صدا و سیمای ۲-۳ شبکه‌ای شناختیم، با وقار، دقیق، آداب‌دان؛ خوش پوش و خوش صدا»، «از مهم‌ترین اقدامات زنده یاد اکبر عالمی، حفظ آرشیو ملی ایران و جلوگیری از وارد آمدن گزند ی به این گنجینه ارزشمند از سوی جریان‌های افراطی و احمای بخش‌هایی از این آرشیو است.»، «اوایل دهه ۶۰ در «آن روی سکه»‌ش درباره فیلم‌ها حرف می‌زد. دروغ چرا؟! حرف‌هاش برای یه بچه ۱۲-۱۰ساله گنگ و نامفهوم بود و جذابیتی نداشت. اما یه چیزی رو کم کم داشتیم کشف می‌کردیم. اینکه سینما فقط برای دیدن نیست. اکبر عالمی درباره سینما درست حرف زدن را یادمون می‌داد.»

که شبکه یک تلویزیون پخش برنامه‌ای به نام هنر هفتم رو آغاز کرد که تازه ساعت ۱۱ شب جمعه‌ها شروع می‌شد. تو هر برنامه یکی از بهترین‌های سینمای جهان از کلاسیک گرفته تا سینمای معاصر نمایش داده می‌شد و بعد اکبر عالمی با میهمانی دیگر به نقد و تحلیل فیلم می‌پرداختند. با اون برنامه با سینمای مؤلف و جدی آشنا شدم و یاد گرفتم چطور باید فیلم را تماشا کنم.»، «اکبر عالمی جزو معدود آدمیایه

برای اکبر عالمی که دیروز در هفتاد و پنج سالگی در گذشت

## سلوک اکبر آقا که مرضی‌الطرفین بود

اکبر عالمی مشهورترین و محبوب‌ترین آدم پشت پرده سینمای ایران بود. پشت پرده به این تعبیر که حرفه اصلی او لایبراتور و امور تکنیکی سینما بود. هم قبل و هم بعد از انقلاب جزو کسانی بود که برای ارتقای امور فنی سینما تلاش زیادی کرد. بخصوص در سال‌های کمبود امکانات آموزشی و پژوهشی و در دسترس نبودن اینترنت و منابع مکتوب که با تألیف و ترجمه کتاب‌های فنی اسباب شناسایی مباحث فنی شد. پیش از این فیلم‌ها تمام و کمال به حساب کارگردان و هنرپیشه‌ها تمام می‌شد و کمتر کسی فکر می‌کرد پشت این نوار متحرکی که با تاباندن نور تبدیل به زیباترین تصاویر متحرک روی دیوار می‌شد، چه کسانی زحمت کشیده‌اند. اکبر آقا در بین این دست از اهالی سینما و دست‌اندرکاران سینما محبوب‌ترین بود. این محبوبیت در اواسط دهه ۶۰ با برنامه «هنر هفتم» مضاعف هم شد. برنامه‌ای که هر پنجشنبه شب از شبکه یک تلویزیون پخش می‌شد و بینندگان زیادی داشت. تهیه‌کننده این برنامه تعریف می‌کرد که حتی از شهرستان‌های کوچک نامه‌های زیادی به برنامه ارسال می‌شد که تقاضا داشتند فقط فیلم‌های سیاه و سفید نمایش داده شود چون با آنها خاطره داشتند و می‌خواستند این بار با دقت و همراه با تحلیل این فیلم‌ها را ببینند. اکبر

عالمی هم در انتخاب فیلم‌ها نقش داشت و هم به عنوان نویسنده و مجری بسیار با ظرافت عمل می‌کرد. بیان شیرین و جذابی داشت و تماشاگران زیادی را پای این برنامه می‌نشاندد. پس از او کارشناسان سینمایی دیگری از جمله دوست بسیار عزیزمان مسعود اوحدی مدرس و مترجم برجسته سینما مجری این برنامه شدند اما محبوبیت اکبر عالمی نصیب هیچ کدام از آنها نشد. همچنان که به دنبال موفقیت «هنر هفتم» برنامه‌های سینمایی متعددی از شبکه‌های مختلف پخش شد و هیچ کدام نتوانست محبوبیت این برنامه را تکرار کند. در سال‌های کناره‌گیری از تلویزیون همراه با او برای نقد و تحلیل فیلم به یک شهرستان رفته بودیم،

### فرصت شمار یارا

بعضی وقت‌ها کلمات هجوم می‌آورد به ذهن آدم. شده است شما به یک کلمه فکر کنید و بعد یه به آن فکر کنید و بعد پیش خودتان بگویید چرا این کلمه این‌طوری است؟ چطور این کلمه را استفاده می‌کنیم؟ بعد هم با بی‌خیالشی می‌شوید با هزارتا فکر دیگر از همان کلمه می‌آید توی ذهن‌تان. توی همین مهرمایی که در آن هستیم بیش‌ترین کلمه‌ای که تکرار شد اندوه بود. نمی‌خواهم در این نوشته از اندوه بگویم اما می‌خواهم از کلمه و واژه حرف بزنم. مجبورم به یکی از اتفاقات این چند وقت اشاره کنم و تازه به خاک سپرده شده. همین آقای احمدی

آن هم سکنه کردن احمدرضا احمدی است. به آن شعرش نگاه کنید همان که وقتی مادرش می‌خواهد به بازار برود و احمدرضا به مادرش می‌گوید برایش واژه بخرد و مادرش هم می‌گوید که در او را واژه دو می‌کند. اما این را گفتم که به یک کلمه برسم که آن شب داشتم به آن فکر می‌کردم. «فرصت» کلمه‌ای که توی ذهنم آمد. اولش که به فرصت‌های زیادی که زندگی در اختیار آدم می‌گذارد فکر کردم و بعد فکر کردم که اجل وقتی به آدم فرصت نمی‌دهد و بعد یک تکه از شعر حافظ آمد

توی سرم که می‌گوید «فرصت شمار یارا» و بعد هرچه به مغزم فشار آوردم که ابتدای شعر چه بود به یاد نیامد. قدیم‌ها زندگی سخت بود. اگر شعری به خاطر نمی‌آمد حتماً باید دیوان طرف در دست‌رست باشد تا بتوانی شعر را پیدا کنی ولی امروز می‌شود سرچ کرد و فهمید که ابتدای شعر این بوده که: «۱۰ روز مهر گردون

### یادداشت



احمد طالبی‌نژاد منتقد سینما

### ابراهیم حاتمی کیا: دلم برای آن صدا تنگ می‌شود

سال ۵۹ جوانی بودم ۱۹ساله، عاشق فیلمبرداری، برای اولین بار در کلاس‌های فیلمسازی شرکت کردم و شدم شاگرد استاد اکبر عالمی. دلچسب‌ترین کلاس‌های فیلمسازی، او با کیف چرمی بزرگی وارد کلاس می‌شد و همچون شعبده بازان یکی یکی از کیف اسلاید و کتابی و ابزاری بیرون می‌کشید و ساعت‌ها به شیوه سمعی و بصری شاگردان را سحر می‌کرد. باوری که استاد به ما می‌داد از جنس سحر بود. از سال ۶۰ تا ۶۷ که جنگ بود و ما همیشه دسترنج فیلمبرداری هایمان از جنگ را به دست ایشان ظاهر می‌کردیم. چه لذتی داشت در میان سروصدای دستگاه‌های لایبراتور صدا و سیما، صدای فریاد استاد را می‌شنیدیم. آن صدا به من می‌گفت که وارد لایبراتور نشدید، وارد کلاس درس شدیم و باید آداب شاگردی را بجا آوریم. چقدر دلم برای آن صدا در لایبراتور تنگ می‌شد. سینمای ایران بزرگ استاد سینمایش را از دست داد.

بخشی از پیام این کارگردان سینما در پی درگذشت اکبر عالمی در ایستا



### دنیانش.

قاتل‌هاش. بهش

بگو قاتل‌هاش

کیان. تا از شون

فرار کنه. نمی‌تونم

ببینمشون. دیده

نمی‌شن. همه جا

مه و ابره.

### ۲۳مهر

۲۰۹ روز از سال سخت گذشته است. در برکه امروز تقویم هم نام چهره‌های فرهنگی ونهری ایران و جهان ثبت شده که در این روز متولد شده یا در گذشته‌اند و بهانه‌ای است برای مرور آثارشان.

### تولدها



**محمدعلی حدادیان**: نوازنده نی و موسیقیدان ایرانی سال ۱۳۱۶ در چنین روزی به دنیا آمد. محمدعلی حدادیان از کودکی نوازندگی را از پدرش یاد گرفت و بعد شاگرد حسین باوری اصفهانی نوازنده نی شد. پس از تحصیل در دانشگاه در رشته موسیقی جزو اولین اعضای گروه موسیقی سنتی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بود و با هنرمندان زیادی مانند رضوی سروسزانی، حسین علیزاده و داوود گنجهای همکاری کرد. او پژوهش‌های زیادی هم در زمینه موسیقی ایرانی انجام داد و سال‌ها استاد ساز نی در دانشگاه‌ها بود. حدادیان سال ۱۳۸۱ درگذشت.

**راجر مور**: بازیگر انگلیسی و سومین جیمز باند سینما سال ۱۹۲۷ متولد شد. راجر مور با فیلم «آخرین باری که پاریس را دیدم» در سال ۱۹۵۴ کارش را به‌صورت جدی در سینما آغاز کرد و پس از آن در فیلم‌های «آهنگ منقطع»، «آبوله‌و» و «معجزه» بازی کرد. «زندگی کن و بگذرایمیرد» اولین بازی او در نقش جیمز باند بود و پس از آن در فیلم‌های «مردی با طیانچه طلایی»، «جاسوسی که دوستم داشت»، «ماه پیمایی»، «فقط به خاطر چشمان تو»، «اختاپوس» و «تمای به یک قتل» این نقش را ادامه داد. در واقع راجر مور با همین نقش به شهرت رسید و لقب اشرافی «بیر» را هم گرفت. او سال ۲۰۱۷ درگذشت.

❧ **یوگوتیتینا** کارگردان ژاپنی، **هانری ورنوی** فیلمساز فرانسوی، **کوروش ادیم** شاعر، **پژمان تیمورتاش** نویسن، **کوروش خواجوی** شاعر و **کلیف ریچارد** خواننده و نوازنده انگلیسی هم متولد امروز هستند.

### درگذشت‌ها

**حسین دهلوی**: یک‌سال پیش در چنین روزی موسیقیدان و رهبر ارکستر ایرانی درگذشت. حسین دهلوی متولد ۱۳۰۶ بود و از کودکی به ناوختن ساز ویلن علاقه پیدا کرد و از ابوالحسن صبا این ساز را آموخت. پس از پایان تحصیلاتش در هنرستان عالی موسیقی و درگذشت ابوالحسن صبا، به‌عنوان رهبر ارکستر شماره یک اداره هنرهای زیبا کارش را آغاز کرد و مدتی بعد هم ریاست هنرستان موسیقی به او سپرده شد. در این سال‌ها او آثاری چون «سبکبال» و «مانا و مانی»، «نخستین دو نوازی برای سنتور»، «بندباز»، «سرباز»، «اپرای خسرو و شیرین» و «بیزن و منیژه» را ساخت و اجرا کرد و با نواوری در ساز تنبک جایگاه ویژه‌ای به این ساز در موسیقی ایرانی بخشید. دهلوی با نوشتن کتاب «پیوند شعر و موسیقی آوازی» برنده جایزه نوزدهمین دوره کتاب سال شد و سال ۸۲ هم به‌عنوان چهره ماندگار موسیقی معرفی شد.

**حزین لاهیجی**: شاعر سبک هندی سال ۱۱۸۰ قمری در چنین روزی درگذشت. حزین لاهیجی متولد ۱۱۰۳ قمری بود و پدرش در دربار شاه سلیمان اول کار می‌کرد او هم به‌عنوان شاعر و بحرالعلوم آنجا تربیت شد. حزین لاهیجی جهانگرد بود و از ایران تا عربستان سفرهای زیادی کرد و در نهایت هم از ترس نادرشاه به هندوستان رفت و در این کشور ساکن شد. او از آخرین شاعران سبک هندی بود و «تذکره شعرا»، «دیوان اشعار»، «صغیر دل» و «حقیقه ثانی» از آثار اوست. البته حزین لاهیجی یک کتاب تاریخی به‌نام «زندگی شیخ حزین به قلم خود او» دارد که وضعیت اصفهان در زمان حمله افغان‌ها و اشغال ایران توسط ترکان عثمانی را شرح می‌دهد. بخشی از سروده‌های حزین لاهیجی به زبان فرانسه هم ترجمه شده‌اند.

**آلیس نیل**: نقاش آمریکایی سال ۱۹۸۴ درگذشت. آلیس نیل در سال ۱۹۰۰ به دنیا آمده بود و در مدرسه طراحی زنان پنسیلوانیا علاقه‌اش را به نقاشی جدی‌تر دنبال کرد. پس از ازدواج با یک نقاش کوبایی علاقه او به این هنر رشد کرد و با حضور در گروهی به‌نام «جوانان آوانگارد کوبایی» پیشرفت کرد. مشکلاتی مانند مرگ دخترش تأثیر زیادی بر کارهایش داشت و نشانه‌های این اتفاق را در آثارش می‌توان دید. اتفاقاتی که منجر به بستری شدن او در نقاشی‌هایی از این جنبش و افراد مؤثر آن بیشتر به شهرت رسید و جایزه انجمن بین‌المللی هنر زنان را هم در سال ۱۹۷۲ گرفت. تابلوهای رنگ روغن او به‌دلیل استفاده اکسپرسیونیستی از خط و رنگ شاخص هستند.

❧ **هارولد رابینز** نویسنده آمریکایی هم در چنین روزی درگذشت.

